

پیش بینی رضایت زناشویی و تفکر قطعی نگر در زوجین

Prediction of Marital Satisfaction and Deterministic Thinking in Couples

Seyyed Jalal Younesi, PhD

University of Welfare
& Rehabilitation

Fazel Bahrami, PhD

University of Welfare
& Rehabilitation

دکتر فاضل بهرامی

استادیار دانشگاه علوم بهزیستی
و توانبخشی

دکتر سیدجلال یونسی

استادیار دانشگاه علوم بهزیستی
و توانبخشی

Abstract

Research on the relationship between marital satisfaction and cognitive distortions has overlooked the role of deterministic thinking. This study aimed to predict marital satisfaction through deterministic thinking. The Deterministic Thinking Questionnaire (Younesi & Mirafzal, 2007) and the short persian version of Marital Satisfaction Inventory (Asgari & Bahmani, 2006) were administered to 300 couples in Tehran who averaged 36 years of age and had been married for 11 years. Results showed a negative correlation between deterministic thinking and marital satisfaction. The four sub-scales of Deterministic Thinking Questionnaire (interaction with others, absolute thinking, prediction of future, and negative events) predicted 14% of the variance in marital satisfaction. Implications are discussed for couple therapy and premarital counseling.

Key words: deterministic thinking, marital satisfaction, cognitive distortion, regression, couples.

Contact information : jyounesi@uswr.ac.ir

چکیده

به رغم انجام پژوهشهای متعدد در قلمرو رابطه انواع تحریفهای شناختی با رضایت زناشویی، نقش تفکر قطعی نگر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این بررسی با هدف پیش بینی رضایت زناشویی از طریق تفکر قطعی نگر در ۳۰۰ زوج تهرانی (با میانگین سنی ۳۶ سال و مدت ازدواج ۱۱ سال) انجام شد. ابزار پژوهش پرسشنامه تفکر قطعی نگر (یونسی و میرافضل، ۲۰۰۷) و فرم کوتاه فارسی مقیاس رضایت زناشویی انریچ (عسگری، بهمنی، ۱۳۸۵) بود. نتایج، رابطه منفی بین تفکر قطعی نگر و رضایت زناشویی را نشان دادند. چهار زیرمقیاس پرسشنامه تفکر قطعی نگر: تعامل با دیگران، تفکر مطلق نگر، پیش بینی آینده و حوادث منفی توانستند در حدود ۱۴ درصد واریانس رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. نتایج این پژوهش می توانند دلالت های مفیدی برای زوج درمانگری مبتنی بر کاهش تفکر قطعی نگر و مشاوره قبل از ازدواج را در اختیار قرار دهند.

واژه های کلیدی : تفکر قطعی نگر، رضایتمندی زناشویی، تحریف شناختی، رگرسیون، زوجین.

received : 2 Jun 2008

دریافت : ۸۷/۳/۱۳

accepted : 11 Jan 2009

پذیرش : ۸۷/۱۰/۲۲

از معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی که حمایت مالی این طرح پژوهشی را بر عهده داشتند، تشکر و قدردانی می شود.

مقدمه

دیدگاه‌های شناختی، سلامت و یا عدم سلامت روانی را به نحوه دریافت و تفسیر افراد از جهان و یا به‌طور اخص، محیط پیرامون وابسته دانسته‌اند (بک، اپشتاین و هریسون، ۱۹۸۳؛ بک، راش، شاو و امری، ۱۹۷۹؛ سومرز - فلانگان و سومرز - فلانگان، ۲۰۰۴). بنابر این دیدگاه‌ها، چگونگی تجربه واقعیت از طریق ادراک تعیین می‌شود (لهی، ۱۹۹۶). هر اندازه دریافت افراد از محیط پیرامون و انعکاس آن در ذهن به واقعیت نزدیک‌تر باشد، روابط افراد با محیط پیرامونی و نیز چگونگی واکنش آنها به حوادث و رویدادها منطقی‌تر و به سلامت روانی نزدیک‌ترند. بدون توجه به میزان خوش‌بینی یا بدبینی، بازخورد افراد نسبت به‌خود و یا جهان در آسیب‌پذیری آنان نسبت به تنیدگی‌های روانی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند (وارنر، ۲۰۰۰). برای نمونه، از لحاظ شناختی، احتمال وقوع حوادث و نیز پیامدهای آنها در ذهن، تأثیر چشمگیری بر میزان ترس و اضطراب اجتماعی دارد (اسمیت، روزنفیلد و مک دونالد، ۲۰۰۶) زیرا پاسخهای هیجانی، به‌گونه‌ای کلی، متأثر از شناخت افرادند (سومرز، ۱۹۸۱). شناخت نیز از طریق تحریف‌های شناختی می‌تواند به سوگیری در ارزیابی و قضاوت درباره امور و رویدادها منجر شود (بارون، ۲۰۰۰؛ روتنستریچ و سی، ۲۰۰۱).

افزون بر این، توجه بیشتر یا کمتر به جنبه‌هایی از مسائل و رویدادها می‌تواند شناخت افراد نسبت به خود و دیگران را تحت تأثیر قرار دهد. به‌گونه‌ای که حتی برخی از صاحب‌نظران (مانند دلمیسیر، فرانته و کانستانتینی، ۲۰۰۷) این الگوی شناختی را به‌منزله نوعی تحریف شناختی با عنوان اثر متمرکز دانسته‌اند که تنها موجب مهم شمردن قسمتی از حادثه می‌شود. گاهی نیز مدت زمان تجربه شادی و غم، به‌دنبال تجربه حادثه‌ای خوشایند یا ناخوشایند، می‌تواند ناشی از تحریف شناختی اثری باشد که بر پیش‌بینی کیفیت و کمیت رویدادها تأثیر می‌گذارد (گرتنر، ۲۰۰۳). به‌همین دلیل است که شناخت و تحریف‌های آن را از عوامل اساسی پدیدایی افسردگی، به‌عنوان

شایع‌ترین اختلال روانی قرن جدید، به حساب آورده‌اند (سومرز - فلانگان و سومرز - فلانگان، ۲۰۰۴).

ارتباط انسان با جهان همواره مستقیم و به دور از تأثیر عوامل ذهنی نیست بلکه ساختارهای ذهن (کلی، ۱۹۵۵؛ یونسی، ۱۳۸۱)، قوانین حاکم بر ادراک (کانت^۱، ۱۶۷۹ نقل از لهی، ۱۹۸۷) و نیز مرزها و محدودیت‌های حاکم بر کنشهای ذهن (فوکو^۲، ۱۹۷۰ نقل از ضمیران، ۱۳۸۱) در فرایند ارتباط ذهن با جهان خارج دخالت می‌کنند و به یکی از پیامدهای متداول در بُعد اجتماعی، یعنی سوء تفاهم در روابط بین فردی منجر می‌شوند (فینچام، هارولد و گانو - فیلیپس، ۲۰۰۰؛ هاماسی و بیوکزوترک، ۲۰۰۴). افزون بر این، در بُعد روانی نیز به مشکلات و نابهنجاریهای روانی می‌انجامند که نمود آن اختلال‌های روانی شایع، مانند افسردگی و اضطراب است (گیبیز، باریگاس و پاتر، ۲۰۰۱؛ دیویدسون، ریکمن و لسپرانس، ۲۰۰۴). این عوامل می‌توانند در سطح فراشناخت (ولز و ماتیوز، ۱۹۹۴؛ ولز، ۲۰۰۱)، در سطح آگاهی و شناخت سرد^۳ (اعتقادات ذهنی) (بک و دیگران، ۱۹۸۳؛ بک و دیگران، ۱۹۷۹) و نیز در سطح شناخت داغ^۴ (اعتقادات قلبی) و هیجانها مداخله کنند (تیزدل، ۱۹۹۳؛ یونسی و شیری، ۱۳۸۲). البته گاهی در سطح ناهشیاری نیز مؤثرند (فروید، ۱۹۶۰). ردپای تحریف‌های شناختی اخیراً به بررسیهای ژنتیک و فیزیولوژیک نیز کشیده شده است به‌گونه‌ای که بک (۲۰۰۸) با این باور که عوامل شناختی در ارتباط با ژن و عصب می‌توانند سازش یافتگی‌های روانی-اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند بر مطالعه مؤلفه‌های عصب‌شناختی و ژنتیکی مدل شناختی خویش تأکید دارد.

با مشاهده نمونه‌ای از دخالت این عوامل در سطح خانواده، می‌توان نشان داد که چگونه سبک‌های اسنادی، ادراک زوجها را نسبت به یکدیگر و نیز محیط خانواده تحت تأثیر قرار می‌دهند و حتی ممکن است به روابط اعضای خانواده آسیب‌های جدی وارد کنند (لهی، ۱۹۹۶؛ فینچام و دیگران، ۲۰۰۰؛ یونسی، رضاخو، موسوی و صدر-السادات، ۱۳۸۳).

1. Kant, I.
2. Fouko, M.

3. cold cognition
4. hot cognition

عدم تداوم ازدواج
داشتن فرزند از خود (باروری) = خوشبختی، ناباروری =
بدبختی

دهها نمونه از این نوع تحریفها (تساویها) وجود دارد که بسیاری از افراد به طور روزمره به کار می‌برند (یونسی، ۱۳۸۳). البته محققان در این زمینه به موضوع سوگیری عدم توجه به احتمال (بارون، ۲۰۰۰؛ روتنستریچ و سی، ۲۰۰۱) توجه نشان داده‌اند اما این سوگیری تنها می‌تواند بخشی از این نوع تحریف به حساب آید. چون در شرایط عدم اطمینان نتیجه‌گیری را میسر می‌سازد. در حالی که در تحریف شناختی قطعی‌نگری، سخن از قطعیت و عدم توجه به احتمال در وضعیت اطمینان و عدم اطمینان است. به عبارت دیگر، تحریف اخیر، در امور و حوادث مثبت و منفی مداخله می‌کند، حذف آن به ایجاد تعادل بین امید و ترس افراد از وقایع منجر می‌شود بدون آنکه حذف ترس و افزایش امید یا بالعکس را در پی داشته باشد (یونسی، ۱۳۸۳). بر این اساس، می‌توان این نوع تحریف شناختی را منشاء تحریفها و شکل‌گیری آنها به حساب آورد.

بر پایه دیدگاه شناختی، الگوهای شناختی، میزان رضایتمندی زناشویی را تعیین می‌کنند (فینچام و دیگران، ۲۰۰۰). برخی از پژوهشگران یکی از علل رضایتمندی زناشویی را سبکهای شناختی زوجین و ثبات روابط زناشویی را در گرو سوگیریهای شناختی آنان می‌دانند (کارر، بوهلمن، گاتمن، کون و راکستل، ۲۰۰۰). به اعتقاد گاتمن، کون، کارر و سوانسون (۱۹۹۸) ادراک (شناخت)، فیزیولوژی و رفتار سه پایه اساسی تداوم زندگی زناشویی است و ادراک زوجین از یکدیگر مهمترین آنها به حساب می‌آید. بوهلمن و گاتمن (۱۹۹۶) نیز اعتقاد دارند که ادراک زوجین نسبت به یکدیگر می‌تواند آینده و نوع رابطه زناشویی آنان را پیش‌بینی کند. پژوهشگران (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵؛ هورنفر و فینچام، ۱۹۹۶؛ برادبری و فینچام، ۱۹۹۲) معتقدند که تغییرات شناختی هر یک از زوجین می‌تواند با تغییر اسنادهای شناختی، به افزایش میزان بیشتر رضایتمندی زناشویی و احساس بهتر زوجین نسبت به یکدیگر منجر شود (فینچام و بیچ، ۱۹۹۹). بعضی از

اهمیت عوامل مذکور در تأثیرگذاری شناخت و ادراکها به قدری زیاد است که از سالها پیش مورد توجه ادیان الهی نیز بوده است. برای نمونه از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که در دعاهاى خود از خدا مى‌خواست: "اللهم ارنى الاشياء كما هي": خدایا واقعیتها را آن گونه که هست به من نشان بده، (فروزانفر، ۱۳۶۱). این گونه دعاها بیانگر نگرانی نسبت به این مطلب است که واقعیتها ممکن است به گونه‌ای تحریف شده در ذهن انعکاس یابند (یونسی، ۱۳۸۳).

روان‌شناسان به‌گونه‌ای عام و متخصصان علوم‌شناختی و شناخت درمانگران به‌طور خاص، تحریفهای شناختی را در این رابطه دخیل می‌دانند (بک و دیگران، ۱۹۷۹، بک و دیگران، ۱۹۸۳؛ تیزدل، ۱۹۹۳؛ گرتنر، ۲۰۰۳؛ اسمیت و دیگران، ۲۰۰۶). این تحریفها با مداخله در سطح افکار و تصورات (یونسی، ۱۳۷۸)، آنها را از واقعیت دور می‌کنند. به اعتقاد لهی (۱۹۹۶) تعدادی از این تحریفها عبارتند از: (۱) تفکر دو قطبی (همه یا هیچ، یا سیاه و سفید)، (۲) تعمیم بیش از اندازه، (۳) پرش به نتیجه‌گیری، (۴) ندیدن و یا کم‌اهمیت شمردن جنبه‌ها و نکته‌های مثبت، (۵) ذهن‌خوانی، (۶) پیشگویی و پیش‌بینی کردن، (۷) بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی، (۸) استدلال هیجانی، (۹) تفکر دارای بار الزام و اجبار (باید و نباید) - این نوع تحریف شناختی از نشانه‌های اصلی و کلیدی تمامیت‌خواهی است، (۱۰) برچسب زدن (مثبت یا منفی)، (۱۱) شخصی سازی (اتفاق امور را تنها مختص خود دانستن)، (۱۲) تفکر پوشیده در استعاره‌ها (نقش ضرب‌المثله‌ها در این مورد به وضوح آشکار است).

هیچ‌یک از نویسندگان، پژوهشگران و روان‌درمانگران با روی‌آورد شناختی و یا رفتاری به اهمیت مداخله یک تحریف دیگر در شناخت به نام تفکر تساوی‌گونه یا قطعی‌نگر، یعنی نوعی تحریف که حادثه و یا امری را با قاطعیت مساوی چیزی دیگر می‌داند و می‌توان آن را مادر تحریفهای شناختی دانست، توجه نشان نداده‌اند. نمونه‌ای از این تحریفها به قرار زیر است:

قبول‌شدن در کنکور سراسری = خوشبختی، رد‌شدن در کنکور سراسری = بدبختی
زیبایی در چهره = تداوم ازدواج، نازیبایی در چهره =

روان‌شناسان با تأکید بر ارتباط تنگاتنگ بین رضایتمندی زناشویی و افسردگی (یولاندا، ۲۰۰۷) اعتقاد دارند که اسنادهای علی به‌عنوان متغیر تسهیل‌کننده بین افسردگی و رضایتمندی زناشویی عمل می‌کنند (هینه، بایه و ون‌اوست، ۲۰۰۵).

کیفیت روابط زناشویی بستگی به مثلثهای شناختی (کلی - پایدار - درونی) زوجین دارد (بروین، ۱۳۷۶) و تشدید تحریفهای شناختی قبل از ازدواج و تبدیل آنها به اعتقاد هسته‌ای بر ارتباط با همسر تأثیر منفی می‌گذارد (کلاف، ۲۰۰۷). بنابراین، نحوه پردازش اطلاعات، تعیین‌کننده چگونگی تجربه رویدادها بین زوجین است (شاپیرو، ۲۰۰۷) و بر سازگاریهای زناشویی مؤثر است. تحقیقات مداخله‌ای در زوجهای ایرانی نشان داده‌اند که پس از تغییر در سبکهای شناختی، رضایت زناشویی افزایش می‌یابد (یونسی و دیگران، ۱۳۸۳). افزون بر این، مطالعات بالینی در زوج درمانگری نیز مبین آن هستند که کاهش تفکر قطعی‌نگر در زوجها، همراه با سایر فنون شناختی، با افزایش رضایتمندی و کاهش تعارض زناشویی همراه است (یونسی، ۱۳۸۱؛ زارعی محمودآبادی، ۱۳۸۵)، زیرا نحوه تفکر زوجین از عوامل بسیار مهم در تعیین میزان رضایتمندی یا تعارضهای زناشویی و سلامت روانی آنان است (فریش، ۲۰۰۶؛ چنگ و فورنهام، ۲۰۰۷؛ لنت و لویز، ۲۰۰۲؛ هوستون، نیهوس و اسمیت، ۲۰۰۱؛ فینچام و دیگران، ۲۰۰۰). با توجه به تحقیقات تجربی و بالینی در زمینه نقش شناخت و تحریفهای شناختی بر رضایت زناشویی، هدف پژوهش حاضر تعیین نقش تفکر قطعی‌نگر به‌عنوان اساسی‌ترین تحریف شناختی در پیش‌بینی رضایت زناشویی است.

روش

گروه نمونه پژوهش متشکل از ۳۰۰ زن و مرد متأهل ساکن تهران بود که با روش نمونه‌برداری چند مرحله‌ای و به‌گونه تصادفی انتخاب شدند. مشخصه‌های جمعیت شناختی گروه نمونه در جدول ۱ نشان داده شده است. ابزار پژوهش برای اندازه‌گیری تفکر قطعی‌نگر، یک پرسشنامه محقق ساخته بود که بر پایه مبانی نظری مربوط

به نظریه‌های شناختی (یونسی، ۱۳۸۳، یونسی و میرافضل، ۲۰۰۷) و نیز تجربه‌های بالینی توسعه داده شد (یونسی، عسگری و بهرامی، ۱۳۸۷). این مقیاس دارای ۳۶ سؤال است که با روش ۴ امتیازی لیکرت (۱ برای گزینه کاملاً موافقم تا ۴ برای گزینه کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. بدین ترتیب، هر چه نمره فرد در مقیاس بالاتر باشد میزان قطعی‌نگری وی بیشتر است. برای رواسازی پرسشنامه، در دو مرحله مقدماتی و نهایی پژوهش اصلی، از تحلیل عاملی اکتشافی، تأییدی و همگرا استفاده شد. نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان دادند که پرسشنامه از پنج عامل: (۱) قطعی‌نگری کلی، (۲) قطعی‌نگری در تعامل با دیگران، (۳) مطلق‌نگری فلسفی، (۴) قطعی‌نگری در پیش‌بینی آینده و (۵) قطعی‌نگری در حوادث منفی تشکیل شده است که در مجموع حدود ۳۸ درصد واریانس را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز درستی استخراج داده‌ها را تأیید کردند. خلاصه نتایج دو روش در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۱.

متغیرهای جمعیت‌شناختی گروه نمونه

متغیر	مرد (۵۰/۲)	زن (۴۹/۸)
تحصیلات		
زیردیپلم	۱۱/۶	۱۱/۷
دیپلم	۳۹/۴	۴۲/۶
دانشگاهی	۴۹	۴۵/۷
شغل		
کارمند	۵۶/۴	۲۸/۲
آزاد	۳۶/۸	۷/۹
بازنشسته	۲/۵	۲/۲
خانه‌دار	—	۶۳/۹
سن	M	SD
زن	۳۳	۸
مرد	۳۸	۹
مدت ازدواج		
زن	۱۰	۷
مرد	۱۲	۸

توجه: مقادیر مربوط به بخش اول جدول به درصد ارائه شده است.

پرسشنامه در تهران نشان دادند که مجموعه ۴۰ سؤالی از ۶ عامل (۱ رضایتمندی کلی، ۲) جهت گیری مذهبی، (۳) فرزندان و فرزندپروری، (۴) رابطه جنسی، (۵) اختلافها و تعارضهای ضمنی (گاهگاهی)، و (۶) خودرأیی و روابط بین فردی نامناسب تشکیل شده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز مشخص کردند که داده‌ها به خوبی با مدل برازش دارد و عاملهای ششگانه می‌توانند رضایت زناشویی را به گونه مناسب اندازه گیری کنند. ضرایب همسانی درونی برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۱ و برای زیرمقیاسها به ترتیب برابر با ۰/۷۲، ۰/۷۰، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ به دست آمد.

روایی همگرای پرسشنامه تفکر قطعی نگر نیز بر پایه ضریب همبستگی آن با نمره پرسشنامه افسردگی بک مشخص شد. این مقدار که با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون در یک گروه ۱۰۰ نفری از نمونه پژوهش به دست آمد برابر با $r=0/33$ و از لحاظ آماری در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار بود. اعتبار کل مقیاس نیز از طریق ضریب همسانی درونی برابر با ۰/۸۲۱ و از طریق بازآزمایی (به فاصله یک هفته) برابر با ۰/۷۸ بود. برای اندازه گیری رضایت زناشویی از فرم کوتاه فارسی مقیاس رضایت زناشویی انریچ، ۴۰ سؤالی (عسگری و بهمنی، ۱۳۸۵) استفاده شد. نتایج هنجاریابی این

جدول ۲.

مشخصه‌های آماری تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی پرسشنامه تفکر قطعی نگر

عامل	ارزش ویژه	اکتشافی		تأییدی	
		درصد واریانس	α	β	R^2
یکم	۴/۶۸	۱۳/۰۱	۰/۷۱	۰/۳۷	۴/۶۸
دوم	۳/۴۲	۹/۵۱	۰/۶۱	-۰/۲۴	۳/۳۴
سوم	۱/۷۹	۴/۹۸	۰/۷۰	-۰/۵۲	۵/۷۱
چهارم	۱/۵۵	۴/۳۱	۰/۵۹	۰/۵۲	۴/۶۸
پنجم	۱/۴۹	۴/۱۶	۰/۶۴	۰/۴۸	۴/۶۸

توجه: $KMO=0/793$ ، $Bartlett\ test=3867/8$ ، $P<0/001$.

$\chi^2=2/51$ ، $P=0/28$ ، $CFI=0/99$ ، $GFI=0/99$ ، $RMSEA=0/99$.

یافته‌ها

ضرایب همبستگی بین ابعاد تفکر قطعی نگر و نمره رضایت زناشویی (جدول ۳) نشان می‌دهد بین رضایت زناشویی و عاملهای قطعی نگری در تعامل با دیگران، مطلق نگری فلسفی، قطعی نگری در پیش بینی آینده، قطعی نگری در حوادث منفی، همبستگی منفی وجود دارد. بنابراین، با افزایش میزان تفکر قطعی نگر میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد. بین عامل قطعی نگری کلی با رضایت زناشویی همبستگی به دست نیامد.

برای بررسی پیش بینی پذیری رضایت زناشویی بر پایه تفکر قطعی نگر از روش رگرسیون استفاده شد. به منظور به دست آوردن اطلاعات بیشتر و دقیق تر و تعیین نقش عوامل پنجگانه تفکر قطعی نگر در پیش بینی رضایت

زناشویی، دو مدل رگرسیون اجرا شد (جدول ۴). در مدل نخست از نمره کل و در مدل دوم نمره پنج عامل تفکر قطعی نگر به عنوان متغیر پیش بین به کار رفت. با توجه به اینکه مشخصه F مربوط به هر دو مدل از لحاظ آماری در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است بنابراین، امکان پیش بینی رضایت زناشویی بر پایه تفکر قطعی نگر وجود دارد. اما باید توجه داشت که مقدار واریانس تبیین شده بر اساس مدل یکم ($R^2=0/054$) که در آن نمره کل تفکر قطعی نگر به عنوان متغیر پیش بین به کار رفته، کمتر از همین مشخصه در مدل دوم ($R^2=0/134$) است. بنابراین، مدل دوم کارآمدی بیشتری برای پیش بینی رضایت زناشویی دارد و نتایج دقیق تری نسبت به مدل یکم به دست می‌دهد.

جدول ۳.

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی رضایت زناشویی و عوامل تفکر قطعی‌نگر

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
۱ رضایت	۱۲۶/۸	۱۸/۴	—				
۲ قطعی‌نگری کلی	۱۷/۹	۴/۴	۰/۰۰۵	—			
۳ قطعی‌نگری در تعامل با دیگران	۲۵/۱	۳/۶	۰/۱۹۹**	۰/۱۲۵**	—		
۴ مطلق‌نگری فلسفی	۱۸/۹	۳/۳	۰/۲۳۳**	۰/۲۰۰**	۰/۲۰۸**	—	
۵ قطعی‌نگری در پیش‌بینی آینده	۲۰/۳	۳/۸	۰/۲۸۶**	۰/۳۳۳**	۰/۱۴۴**	۰/۳۷۹**	—
۶ قطعی‌نگری در حوادث منفی	۱۱/۵	۲/۹	۰/۰۱۹**	۰/۳۶۵**	۰/۰۹۹*	۰/۳۱۴**	۰/۲۹۶**

** $P < 0.01$.

جدول ۴.

خلاصه تحلیل رگرسیون مدل‌های پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس تفکر قطعی‌نگر

مدل	F	R	R ²	b	β
یکم	۳۴/۰۱	۰/۲۳۳	۰/۰۵۴		
قطعی‌نگری				۰/۳۲	۰/۲۷**
دوم	۱۸/۳۲	۰/۳۶۷	۰/۱۳۴		
قطعی‌نگری کلی				۰/۱۶	۰/۰۴
قطعی‌نگری در تعامل با دیگران				۰/۵۸	۰/۱۲**
مطلق‌نگری فلسفی				۰/۸۸	۰/۱۶**
قطعی‌نگری در پیش‌بینی آینده				۱/۲۲	۰/۲۶**
قطعی‌نگری در حوادث منفی				۰/۷۴	۰/۱۸**

** $P < 0.01$.

بحث

یافته‌ها نشان می‌دهند که هر اندازه تفکر قطعی‌نگر اختصاصی‌تر باشد، توان بالاتری برای پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی زوجین دارد. به‌گونه‌ای که در رابطه با عامل اول، که قطعی‌نگری کلی را اندازه‌گیری می‌کند، چنین توانی وجود ندارد. به نظر می‌رسد قطعی‌نگری خاص که مربوط به تعامل با دیگران است، مطلق‌نگری (مانند: سرنوشت هر کسی محتوم است) که افراطی‌ترین نوع قطعی‌نگری است، قطعی‌نگری در پیش‌بینی امور و حوادث آینده و قطعی‌نگری در حوادث منفی، عوامل پیش‌بینی‌کننده نیرومندی برای رضایتمندی زناشویی هستند. چنانچه عامل اول (قطعی‌نگری کلی) در نظر گرفته نشود، داده‌ها از فرضیه پژوهش مبنی بر پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس

تفکر قطعی‌نگر حمایت می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با همبستگی تحریف‌های شناختی با رضایتمندی زناشویی (کلاف، ۲۰۰۷؛ شاپیرو ۲۰۰۷؛ فینچام و دیگران ۲۰۰۰؛ فینچام و بیچ، ۱۹۹۹؛ گاتمن و دیگران ۱۹۹۸؛ بوهلمن و گاتمن ۱۹۹۶؛ کارنی و برادبری، ۱۹۹۵؛ لهی، ۱۹۹۶ و بروین، ۱۳۷۶)، همگرایی دارند. افزون بر این، نتایج این پژوهش با پژوهش‌های مداخله‌ای در زمینه مقابله با تفکر قطعی‌نگر در زوجین ایرانی همخوان است (یونسی، ۱۳۸۱؛ زارعی محمودآبادی، ۱۳۸۵). نتایج این بررسی‌ها حکایت از آن دارند که با کاهش تفکر قطعی‌نگر در زوجین، می‌توان انتظار داشت که رضایتمندی زناشویی افزایش یابد. در چالش‌های انجام شده در مورد تفکر قطعی‌نگر در جلسه‌های زوج درمانگری، مؤلفان

ادراک و بازخورد زوجین به یکدیگر به شدت تحت تأثیر تحریفهای شناختی قرار می‌گیرند (گاتمن و دیگران، ۱۹۹۸، بوهلمن و گاتمن، ۱۹۹۶؛ فینچام و دیگران، ۲۰۰۰). به هر حال در مشاوره‌های قبل از ازدواج ارزیابی تحریفهای شناختی زوجین ضروری است (کرادوک، ۲۰۰۶) و در این زمینه، ارزیابی اساسی‌ترین تحریفها، یا قطعی‌نگری، ضروری‌تر از عوامل دیگر است (یونسی، ۱۳۸۳). بنابراین پیشنهاد می‌شود که پژوهشهای بعدی بر مطالعات طولی بین ارزیابی تحریفهای شناختی در مشاوره‌های قبل از ازدواج و تعیین میزان رضایتمندی زناشویی زوجین در مراحل مختلف زندگی زناشویی متمرکز شوند تا نحوه پدیدایی و تحول تفکر قطعی‌نگر و ارتباط آن با رضایتمندی زناشویی مشخص شود.

منابع

- بروین، ک. (۱۳۷۶). *بنیادهای شناختی روان‌شناسی بالینی*. ترجمه ح. علیلو و همکاران (چاپ اول). تبریز: انتشارات روان پویا (تاریخ انتشار اثر اصلی ۱۹۹۷).
- زارعی محمودآبادی، ح. (۱۳۸۵). *تأثیر آموزش فنون مشاوره شناختی - رفتاری بر عملکرد خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ضمیران، م. (۱۳۸۱). *میشل فوکو: دانش و قدرت*. تهران: انتشارات هرمس.
- عسگری، ع. و بهمنی، ب. (۱۳۷۵). *هنجاریابی مقیاس رضایت زناشویی انریچ در شهر تهران، دومین کنگره آسیب‌شناسی خانواده در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی*.
- فروزانفر، ب. (۱۳۶۱). *احادیث مثنوی (چاپ سوم)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یونسی، س. ج. (۱۳۷۸). *کار با تصورات در شناخت درمانی*. فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، ۱۴ و ۱۵، ۳۹-۲۶.
- یونسی، س. ج. (۱۳۸۱). *استیگما و ناباروری، مهارتهای سازگاری*. فصلنامه پزشکی باروری و ناباروری، ۳ (۱۲)، ۸۶-۷۳.
- یونسی، س. ج. (۱۳۸۳). *نقش معناشناختی حوادث در کاهش آسیبهای روانی: روشی جدید و بنیادین در شناخت درمانی*. مجله حوزه و دانشگاه، ویژه‌نامه سلامت روانی، ۴۱، ۲۹-۸.
- یونسی، س. ج.، رضاخو، ع. ا.، موسوی، ا. و صدرالسادات

مذکور سعی کردند تا به‌جای تمرکز بر مفاهیم کلی تفکر قطعی‌نگر، که از طریق عامل یکم پرسشنامه اندازه‌گیری می‌شود با مصادیق آن مبارزه کنند. به‌نظر می‌رسد زمانیکه زوجین به مصداقهای مشخص قطعی‌نگری می‌اندیشند، نسبت به مفاهیم کلی آن، که عینیت کمتری در روابط زناشویی دارد، رضایتمندی زناشویی خویش را بیشتر به‌خطر می‌اندازند. در این پرسشنامه نیز عاملهای دوم تا پنجم مربوط به موارد عینی قطعی‌نگری هستند. برای نمونه، یکی از گویه‌های عامل دوم بیان می‌کند که: «می‌توان همیشه پیش‌بینی‌های درستی از اعمال و رفتار دیگران داشت». و یا در عامل سوم چنین گویه‌ای وجود دارد: «با انجام یک عمل بد، برای همیشه فرصت اصلاح از انسان سلب می‌شود». همچنین مواردی از مصداقهای عینی در عامل چهارم و پنجم وجود دارد برای نمونه: «اگر چند حادثه بد در زندگی اتفاق افتد، می‌توان آنها را مساوی یک بد بیاری مهم در آینده دانست»؛ «سرنوشت انسانها قطعی و تعیین شده است و دعا اثری در تغییر آن ندارد».

از آنجا که آزمون تفکر قطعی‌نگر به‌طور کلی دارای همبستگی مثبت با آزمون افسردگی بک است ($r=0/33$)، $(P \leq 0/01)$ و بین افسردگی و رضایت زناشویی نیز همبستگی منفی وجود دارد (ویسمن، اوبلاکر و وینستاک، ۲۰۰۴؛ یولاندا، ۲۰۰۷)، بنابراین منطقی است که تحریف شناختی تفکر قطعی‌نگر به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ایجادکننده افسردگی (گرتنر، ۲۰۰۳) پیش‌بینی‌کننده میزان کاهش رضایتمندی زناشویی باشد. این پدیده ضمن دلالت بر روایی همگرا، نشان می‌دهد که این آزمون با سنجش یک بُعد از ابعاد آسیب‌زای روابط زناشویی می‌تواند میزان رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی کند. این یافته‌ها با نتایج پژوهشهای مربوط به میانجی‌گری اسنادهای علی با افسردگی و رضایتمندی زناشویی نیز همپوشی دارند (هینه و دیگران، ۲۰۰۵). پژوهشهای مذکور از زاویه‌ای دیگر به موضوع رضایتمندی زناشویی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که حتی بدون توجه به میزان افسردگی، بازخورد زوجین نسبت به یکدیگر، تعیین‌کننده میزان رضایتمندی زناشویی آنان است (ساکو و فارس، ۲۰۰۱)، اما فراموش نشود که

Happiness Studies, 2 (3), 309-315.

- Craddock, A. E. (2006).** Self-confidence as a mediator of the effect of parental abuse on premarital couple satisfaction. *E-Journal of Applied Psychology: Clinical and social issues*, 2 (1), 52-60.
- Davidson, K. W., Rieckmann, N., & Lespérance, F. (2004).** Psychological theories of depression: Potential application for the prevention of acute coronary syndrome recurrence. *Psychosomatic Medicine*, 66, 165-173.
- Del Missier, F., Ferrante, D., & Constantini, E. (2007).** Focusing effects in predecisional information acquisition. *Acta Psychologica*, 125, 155-174.
- Fincham, F. D., & Beach, S. K. (1999).** Implications for working with couples. *Annual review of Psychology*, 50, 47-77.
- Fincham, F. D., Harold, G. T., & Gano-Philips, S. (2000).** The longitudinal association between attributions and marital satisfaction. *Journal of family psychology*, 14 (2), 267-285.
- Freud, S. (1960).** *The Ego and Id*. New York: Norton.
- Frish, M. (2006).** *Quality of life therapy*. New Jersey: John Wiley.
- Gertner, J. (2003).** The future pursuit of happiness. *New York Times Magazine*, 7, 17-19.
- Gibbs, J. C., Barriga, A. Q., & Potter, G. (2001).** *The How I Think Questionnaire*. Champaign, IL: Research Press.
- Gottman, J. M., Coan, J., Carrère, S., & Swanson, C. (1998).** Predicting marital happiness and stability from newlywed interactions. *Journal of Marriage and the Family*, 60, 5-22.
- Hamamci, Z., & Büyükoztürk, S. (2004).** The interpersonal cognitive distortions scale: Development and psychometric characteristics. *Psychological Reports*, 95 (1), 291-303.
- س.ج. (۱۳۸۳).** نقش بازآموزی اسنادی بر سبکهای اسنادی زوجهای ناسازگار و افزایش رضامندی زناشویی آنان. *مجله مددکاری اجتماعی*، ۱۶ و ۱۷، ۱۱۲-۱۰۱.
- یونسی، س.ج. و شیبری، ز. (۱۳۸۲).** *درمان ناهنجاریهای روانی در کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- یونسی، س.ج.، عسگری، ع. و بهرامی، ف. (۱۳۸۷).** تهیه و استانداردسازی مقیاس تفکر قطعی‌نگر. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- Baron, J. (2000).** *Thinking and deciding (third ed.)*. Cambridge: University Press.
- Beck, A. T. (2008).** The evolution of the cognitive model of depression and its neurobiological correlates. *American Journal of Psychiatry*, 165 (8), 969-77.
- Beck, A. T., Epstein, N., & Harrison, R. (1983).** Cognition attitudes and personality dimensions in depression. *British Journal of Cognitive Psychotherapy*, 1, 1-16.
- Beck, A. T., Rush, A. J., Show, B. F., & Emery, G. (1979).** *Cognitive therapy of depression*. New York: Guilford Press.
- Bradbery, T. N., & Fincham, F. D. (1992).** Attributions and behavior in marital interaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63 (4), 613-628.
- Buehlman, K. T., & Gottman, J. M. (1996).** The oral history coding system. (In J. Gottman (Ed.), *What predicts divorce? The measures*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Carrère, S., Buehlman, K. T., Gottman, J. M., Coan, J., & Ruckstuhl, L. (2000).** Predicting marital stability and divorce in newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 14, 42-58.
- Chenge, H., & Furnham, A. (2007).** Attributional style as predictors of mental health. *Journal of*

- kisses, and electric shocks: On the affective psychology of risk. *Psychological Science*, 12, 185-190.
- Sacco, W. P., & Phares, V. (2001).** Partner appraisal and marital satisfaction: The role of self-esteem and depression. *Journal of Marriage and Family*, 63 (2), 504-513.
- Shapiro, F. (2007).** EMDR and case conceptualization from an adaptive information processing perspective. In Shapiro, F., & et al (Eds). *Handbook of EMDR and family therapy processes*. USA: John Wiley and Sons.
- Smith, A. J., Rosenfield, D., & McDonald, R. (2006).** Cognitive mechanism of social anxiety reduction : An examination of specificity and temporality. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 74 (6), 1203-1212.
- Sommers, S. (1981).** Emotionally reconsidered: The role of cognition in emotional responsiveness. *Journal of personality and Social psychology*, 41 (3), 553-561.
- Sommers-Flanagan, J., & Sommers-Flanagan, R. (2004).** *Counseling and psychotherapy : Theories in context and practice*. New Jersey: John Willy.
- Teasdale, J. D. (1993).** Emotion and two kinds of thinking: Cognitive Therapy and applied cognitive sciences. *Behavioural Research and Therapy*, 31, 339- 354.
- Warner, R. (2000).** *The environment of schizophrenia*. London & Philadelphia: Brunner-Routledge
- Wells, A. (2001).** *Emotional disorders and metacognition. Innovative cognitive therapy*. New York: John Wiley & Sons.
- Wells, A., & Mathews, G. (1994).** *Attention and Emotion: A clinical perspective*. Uk: Psychology Press.
- Whisman, M. A., Uebelacker, L, A., & Weinstock, Heene, L. D., Buysse, A., & Van Oost., P. (2005).** Indirect pathways between depressive symptoms and marital distress: The role of conflict communication, attributions, and attachment style. *Family Process*, 44 (4), 413-440.
- Hornefer, K. J., & Fincham. F. D. (1996).** Attributional models of depression and marital distress. *Journal of Personality and Social Psychology*, 22, 678-689.
- Huston, T., Niehus, S., & Smith, S. E. (2001).** The early marital roots of conjugal distress and divorce. *Current Direction in Psychological Science*, 10 (4), 110-119.
- Karney, B. R., & Bradbery, T. N. (1995).** The longitudinal course of marital quality and stability: Review of theory method and research. *Psychological bulletin*, 118, 3-18.
- Kelly, G. A. (1955).** *The psychology of personal constructs*. New York: Norton.
- Klaff, F. (2007).** Children of divorce. In Shapiro, F. et al (Eds). *Handbook of EMDR and family therapy processes*. USA: John Wiley and Sons.
- Leahy, R. L. (1996).** *Cognitive therapy: Basic principles and applications*. New Jersey: Northvale.
- Leahey, T. H. (1987).** *A history of psychology : Main currents in psychological thought*. New Jersey: Prentice- Hall International Edition.
- Lent, R. W., & Lopez, F. G. (2002).** Cognitive ties that bind : A tripartite view of efficacy beliefs in growth-promoting relationships. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 21, 76-82.
- Moss-Morris, R., & Petrie, K. J. (1997).** Cognitive distortions of somatic experiences: Revision and validation of a measure. *Journal of Psychosomatic Research*, 43 (3), 293-306.
- Rottenstreich, Y., & Hsee, C. K. (2001).** Money,

couples. *The Family Journal*, 15 (1), 46-52.

Younesi, J., & Mirafzal, A. (2007). *Development of deterministic thinking questionnaire*. Paper presented to 10th European congress of psychology. Prague Czech Republic.

L. M. (2004). Psychopathology and marital satisfaction. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 72 (5), 830-838.

Yolanda, A. T. (2007). A correlation study between depression and marital adjustment in hispanic